



## بیانات در دیدار نخبگان جوان - 14 / مهر / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی متشکریم از برادران و خواهران عزیز؛ چه فراهم‌آوردگان این اجلاس بسیار خوب، چه برادران و خواهرانی که بحث کردند و نظر دادند. جلسه، بسیار جلسه‌ی خوبی بود. من امروز حقیقتاً از دیدار شماها و از سخنان و بیانات شماها، هم خیلی خوشوقت شدم، هم استفاده کردم.

البته این دو سه مطلبی که دوستان در خلال جمع بیان کردند، نه اینکه اینها مسائل کوچکی باشد، کم‌اهمیت باشد؛ نه، بالاخره هر مطلبی، هر مسئله‌ای، هر مشکلی در کار هر شخصی و فردی فی‌نفسه اهمیت دارد - در این تردیدی نیست - من هم هیچ گله‌ای ندارم از اینکه چرا دوستان بلند میشوند و این مطالب را می‌گویند؛ نه، مطلقاً اینجور نیست؛ اگر همه‌ی شما هم یکی یکی بلند میشدید و مطلبی میگفتید، من مستمع، من گوش میکنم و خرسند هم میشوم از اینکه بشنوم؛ منتها اولویتها را باید رعایت کرد. این جلسه، جلسه‌ی مسائل کلان است؛ جلسه‌ی مسائل جمع است. اگر ما بتوانیم به برکت این جلسه و اینگونه جلسات، یک فضائی را، یک فکری را، یک انگیزه‌ی عامی را در محیط عمومی کشور به وجود بیاوریم، این مشکلات بتدریج حل خواهد شد؛ و امیدواریم که همین جور هم بشود. در برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما ببینیم عمده‌ی تمرکز سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه‌ی مادی و سرمایه‌ی معنوی - یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه - نامحدود نیست. اگر میخواهیم کشور را به توسعه برسانیم - توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان، نه لزوماً توسعه به معنای رائج غربی - ببینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم.

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد. تکیه‌ی ما بر این اساس است. حالا این علم با چه هدفی است، اگر ان‌شاءالله وقت بود و من هم یادمان ماند، در آخر شاید یک جمله‌ای عرض خواهم کرد که جهتگیری حرکت علمی ما چه باید باشد.

بنابراین یکی از بااولویت‌ترین کارها عبارت است از مسئله‌ی علم و فناوری؛ این در کشور لازم است. ما در این زمینه‌ها یک عقب‌افتادگی مزمن تاریخی فاحشی داریم، که گناهِش به گردن آن کسانی است که با سیاست خودشان، با رفتار خودشان، با طمع‌ورزی‌های خودشان، با سهل‌انگاری‌های خودشان، این بیماری مزمن را بر یک چنین ملت بزرگی تحمیل کردند. و ما حالا میخواهیم خودمان را از زیر این بار، از زیر این بختک سنگین خلاص کنیم. بنابراین من، شما، مسئولین ذی‌ربط، مسئولین بخشهای مختلف کشور و هر انسان باشرف در این کشور که امکانی دارد، باید در این زمینه تلاش کند؛ هر کس به قدر خودش. همه مسئولند؛ از یک دانشجویی که امسال وارد دانشگاه شده، تا دانشجویهای برتر و بالاتر، تا اساتید، تا مسئولین نظام آموزشی و علمی کشور، تا بخشهای مختلف، در سلسله‌مراتب اداری و علمی کشور. همه باید تلاش کنیم، همه باید کار کنیم، همه باید بدویم تا بتوانیم این عقب‌افتادگی تاریخی تحمیل‌شده‌ی بر خودمان را جبران کنیم؛ این یک مسئله‌ی جدی است.

خوب، من به شما عرض میکنم؛ در این مسیر، شتاب و موفقیت، در طول چندین سال گذشته محسوس است. شما این را بدانید - شاید هم میدانید؛ البته من آمارهای بیشتری دارم، اطلاعات وسیع‌تر و جزئی‌تری دارم - که در هفت هشت ده سال اخیر، کشور یک حرکت عظیمی در این زمینه انجام داده و کارهای بزرگی انجام گرفته. البته بعضی گوشه‌کنار، توی دانشگاه و بیرون دانشگاه، یأس‌آفرینی و منفی‌بافی میکنند؛ اما بیخود می‌گویند، دروغ می‌گویند.



بعضی از اینها غافلند، بعضی هم بدتر از غافل. حرکت، انصافاً حرکت موفق بوده است. در این سالها کارهای بزرگی انجام گرفته. ملت، جوانان، مجموعه‌ی علمی، دانشگاه‌ها، مدیران علمی نشان دادند که استعداد خوبی وجود دارد برای این حرکتی که مورد نظر ماست. بنابراین ما پیشرفت کرده‌ایم.

این پیشرفت اقتضاء میکند که ما امیدوارانه‌تر پیش برویم. نظر تعداد قابل توجهی از کارشناسان ایرانی و غیر ایرانی این است که کشور ما قبل از موعد معین، یعنی 1404 - که پایان دوره‌ی برنامه‌ی چشم‌انداز بیست ساله است - به آن چیزی که در چشم‌انداز وعده داده شده، خواهد رسید؛ یعنی رتبه‌ی اول علمی در میان کشورهای اسلامی. برآوردها این است؛ این به خاطر شتابی است که وجود دارد. پس امیدوار باشیم، لحظه‌ها را از دست ندهیم، به نیروی خودمان اتکاء کنیم و حرکت را با جدیت، با صمیمیت و با شرایط لازم ادامه دهیم. این یک نکته.

نکته‌ی دوم این است که از این کارهای علمی‌ای که دارد میشود، هم من و هم هر فردی از افراد کشور که مطلع باشد، افتخار میکنند. به پیشرفت علمی در مسئله‌ی هسته‌ای، همه افتخار میکنیم؛ به پیشرفتهای بسیار حائز اهمیت در زمینه‌ی سلولهای بنیادی - که گفته شد - و کارهای عظیمی که در این زمینه انجام گرفته، همه افتخار میکنیم؛ در بخش نانو، در بخش فناوری زیستی و غیرذلك پیشرفتهای خوبی صورت گرفته و همه افتخار میکنیم؛ اینها چیزهای کوچکی نیست، چیزهای بزرگی است؛ لیکن اینها چیزهایی نیست که بتواند به ما بگوید کشور از لحاظ علمی، یک پیشرفت مطلوب و کاملی کرده است. با اینکه در بعضی از این رشته‌ها تازه وارد شده‌ایم، در عین حال جزو ده کشور اول دنیا هستیم که این فناوری‌ها یا این دانش را داریم؛ لیکن این کافی نیست.

چی لازم است؟ آنچه در کشور لازم است و میتواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخارآمیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود یک چرخه‌ی علمی کامل است. در همه‌ی بخشها یک چرخه‌ی به هم پیوسته‌ی مهمی از انواع دانشهایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا اینها هم‌افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه‌ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه‌ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازه‌ی علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤالا پاسخ داده شود؛ اینها همه‌اش لازم است.

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفتهای مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخشها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عام تمامی‌ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم. این کار، تلاش لازم دارد؛ این همانی است که من در یک جلسه‌ای با جمعی از فرزندان و دانشگاهیان - که به نظرم ماه رمضان بود - گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد. خوب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ای به دانشگاه‌ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست. اینجا، هم بنیاد ملی نخبگان وظائفی دارد، هم مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها و وزارت‌های دانشگاهی مسئولیت دارند. نگاه بنیاد ملی نخبگان بر روی نخبگان نباید این بنیاد را از نگاه به دانشگاه‌ها غافل کند؛ یعنی باید یک نگاه ستادی به دانشگاه‌ها داشته باشد و ارتباط بین مجموعه‌ی بنیاد ملی نخبگان و دانشگاه‌ها باید مستحکم شود. از آن طرف هم در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتماً بایستی در مجموعه‌ی کارهای دانشجویی وجود داشته باشد؛ که البته در بخشهای تحصیلات تکمیلی، این معنا بیشتر خواهد بود. این هم یک نکته.

خوب، حمایت از نخبگان چگونه است؟ این را من در همین بیاناتی که دوستان هم کردند، مشاهده میکنم. به نظر من مهمترین حمایت برای نخبگان این است که زمینه‌ی کار و مقدمات کار برای آنها فراهم شود. ذهن نخبه و مغز



نخبه به دنبال کار، ژرف‌نگری، تولید، خلق، گشودن بابهای جدید و رفتن راه‌های نو است. امکانات سخت‌افزاری باید برای اینها فراهم شود. در مواردی، هم امکانات سخت‌افزاری، هم امکانات نرم‌افزاری باید فراهم شود تا نخبه بتواند کار و تلاش کند. البته این تلاش باید در جهت نیازهای کشور باشد. آنطور که به من گزارش کردند، نقشه‌ی جامع علمی، بخش مهمی از این نیازها را کاملاً رعایت کرده و در این نقشه‌ی جامع دیده شده. البته من هنوز گزارش نهائی‌ای از نقشه‌ی جامع ندارم؛ دوستان با جدیت دنبال کار هستند. نظرات گوناگونی هم هست. من همین‌جا تشکر کنم از بعضی از جوانهای عزیز که توی دیدار ماه رمضان به ما گفتند که ما نقشه‌ی جامع علمی را خودمان مستقل از مجموعه‌ی مسئول فراهم کردیم. من گفتم بیاورید؛ آوردند. گفتم یک خلاصه‌ای تهیه بشود که من بتوانم آن خلاصه را ببینم. آن خلاصه را هم تهیه کردند و آوردند. البته ما مجموعه را برای دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی فرستادیم که آنجا رسیدگی کنند، اما آن خلاصه را خود من هم باید ببینم؛ که هنوز فرصت و توفیق پیدا نکرده‌ام نگاه کنم. این اهتمام را، این بلندپروازی را در جوانها من می‌پسندم. چند تا جوان دور هم می‌نشینند، میگویند آقا ما نقشه‌ی جامع علمی کشور را با نگاه خودمان میخواهیم فراهم کنیم. البته قول نمیدهیم که حتماً آن نقشه‌ی جامع پاسخگوی نیاز ما به یک نقشه‌ی جامع باشد - ممکن است اطلاعاتشان محدود باشد - اما این گستاخی، این بلندپروازی، این همت، این اعتماد به نفس برای ما خیلی مطلوب و جذاب است.

بنابراین، این چرخه‌ی علمی کامل لازم است. علاوه‌ی بر این، چرخه‌ی دیگری لازم است؛ از پدید آمدن یک فکر در ذهن یک نخبه یا یک نابغه، تا تحویل آن به مرکز علمی و فعالیت علمی روی آن و تبدیل این فکر به یک علم یا به شاخه‌ای از یک علم، تا عبور از این مرحله و رفتن به میدان فناوری و به عرصه آمدن فناوران و نخبگان فناوری و صنعتی بر روی این یافته‌ی علمی، تا بعد به مسئله‌ی تجاری کردن - که به آن خواهم پرداخت - برسد؛ این هم باز یک چرخه‌ی دیگر است. پس علاوه بر اینکه یک چرخه‌ی علمی باید به وجود بیاید که علوم، همدیگر را تکمیل کنند، به هم کمک کنند، یک منظومه به وجود بیاید، چرخه و سلسله‌ی زنجیره‌وار دیگری از تولید اندیشه‌ی علمی و ایده‌ی علمی، تا تشکیل یک مجموعه‌ی ذهنی علمی، تا آمدن به میدان فناوری و صنعت، تا آمدن به بازار و تبدیل به محصول هم باید حتماً به وجود بیاید. البته اینها، هم همت شما را میطلبد، هم مدیریت دستگاه‌های مسئول را. همه باید تشریک مساعی کنند که این اتفاق در کشور بیفتد.

مسئله‌ی تجاری‌سازی خیلی مهم است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند. برادران مسئول در دفتر ما یک محاسبه‌ای کردند؛ نظر آنها این است که تا سال 1404 ما باید بتوانیم حداقل بیست درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش‌بنیان و فعالیتهای تجاری دانش‌بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد؛ که من بعد ان شاء الله اشاره‌ی مختصری خواهم کرد. البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاه‌های مسئول باشد، بایستی از آغاز - یعنی از وقتی که ما پروژه‌ی علمی و پروژه‌ی صنعتی را تعریف میکنیم - به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آنکه کار تمام شد، به فکر بیفتیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسئله در محاسبات بیاید؛ که البته این مربوط به دستگاه‌های مسئول کشور است که دنبال کنند.

پیشنهاد کردند - من اینجا یادداشت کردم - که امکان تأسیس نوع تازه‌ای از شرکتهای که عبارت است از شرکتهای علمی و فناوری، در کشور فراهم شود. خیلی‌ها هستند که مایلند دسته‌جمعی کار علمی کنند، تحقیقات علمی کنند. این کمکی که دولت و مسئولان به پیشرفتهای علمی و فناوری میکنند، منحصر نماند به کمک به افراد؛ این شرکتهای مورد حمایت قرار بگیرند. البته اینها با شرکتهای تجاری که مالیات و تسهیلات متعارف بانکی به آنها تعلق میگیرد، اشتباه نشوند؛ بلکه به طور ویژه به این شرکتهای کمک شود. فکر میکنم این کار، کار لازم و مهمی است. دولت باید در



این زمینه یک مدیریت هوشمندانه‌ای به کار ببرد.

یک مسئله‌ی دیگر که خیلی مهم است، تشکیل پژوهشگاه‌هاست. در هر دانشگاهی، علاوه بر پژوهشگاه‌های مستقلی که وجود دارد، لاقلاً باید یک پژوهشگاه جدی به وجود بیاید. خود دانشگاه‌ها به امر پژوهش، به صورت یک مجموعه در درون دانشگاه اهمیت بدهند. نخبه‌های ما بروند به سمت پژوهشگاه‌ها. البته نه اینکه رابطه‌شان با دانش و تعلیم و تعلم قطع شود، بلکه همچنان که میل خود نخبگان هم همین است که سراغ پژوهش بروند، جذب این پژوهشگاه‌ها شوند و در آنجا کار پژوهشی انجام دهند. امکانات - همان طوری که قبلاً عرض کردیم - در اختیارشان قرار بگیرد تا بتوانند پژوهش کنند؛ این همان چیزی است که یک نخبه را راضی میکند، قانع میکند؛ هم استعداد او را به جریان می‌اندازد و به فعلیت میرساند و احساس میکند میتواند کار کند، هم وسوسه‌هایی که در مورد عدم امکان کار در کشور میشود - که روزبه‌روز هم این وسوسه‌ها توسعه پیدا میکند - خنثی و بی‌اثر خواهد شد. در این پژوهشگاه‌ها این امکان وجود دارد که از تجربه‌ی علمی و از پختگی اساتید دانشگاه‌ها که بعد از پایان دوره‌ی خدمتشان بازنشسته شده‌اند، استفاده شود و اینها حضور پیدا کنند. در این صورت، یک حلقه‌ی وصلی خواهد شد بین نسل جدید پژوهنده و پژوهشگر - که همین جوانانند - و مجربینی که دورانی را در دانشگاه‌ها گذرانده‌اند. به مجموعه‌ی نخبگان خیلی کمک شده. البته گوشه کنار گله‌گزارهای هست، من هم میشنوم. غیر از این چیزهایی که حالا در این جلسه به من گفته میشود، نامه مینویسند، گزارش میدهند، گله میکنند. بنابراین گله‌گزارهای هست، این گله‌ها حق هم هست، باید هم برطرف شود، شکی نیست؛ اما شما نگاه کنید ببینید در پنج شش سال اخیر، ما کجا بودیم، به کجا رسیدیم. در مورد کمک به نخبگان و توجه به نخبگان، ما در پنج شش سال قبل از این، در نقطه‌ی صفر بودیم؛ چیزی به این نام، کاری در این جهت، حرکتی به این صورت وجود نداشت. امروز خیلی کارهای خوبی شده. این توجه به نخبگان، این جمع کردن نخبگان، این شنیدن سخن نخبگان، این استفاده‌ی از ذهن و فکر آنها و برقهائی که در ذهن نخبه‌ها میزند، اینها چیزهای جدیدی است. ما بایستی قدر بدانیم و متشکر باشیم. هم‌ا‌ش نباید نقاط منفی را دید.

یکی از طبایع انسان، فزون‌طلبی است. این خصوصیت، بد هم نیست. فزون‌طلبی مثل بقیه‌ی خصوصیات و غرائز انسانی، اگر در جای خود قرار بگیرد، در جهت خود حرکت کند، عامل پرواز انسان خواهد شد. در زمینه‌ی معنویات، هرچه انسان بتواند، باید فزون‌طلب باشد. کار علمی و کار فکری و کار پژوهشی هم یک بخشی از معنویات است. بنابراین، این فزونی‌طلبی در انسان هست. هرچه هم انسان داشته باشد، باز یک گوشه‌ی ناقصی، کمبودی جلوی چشم انسان قرار می‌گیرد؛ این هیچ وقت تمام نمیشود. باید دید چه کار شده است. کارهای زیادی شده. من میخواهم عرض بکنم؛ با این کمکهای فراوانی که میشود، با وجود این کارهای خوبی که صورت می‌گیرد و واقعاً با ارزش است و باید از مسئولین تشکر کرد، نباید گذاشت با بوروکراسی‌های اداری و پیچ‌وخم‌های گوناگون، شیرینی این کار در کام نخبگان تلخ شود؛ این را من جداً به مسئولین ذی‌ربط در این بخش توصیه میکنم. سعی کنند فراتر از این دیوان‌سالاری‌های متعارف و این پیچ‌وخم‌های گوناگون، راه‌های میانبر پیدا کنند، کارها را راحت‌تر پیش ببرند و آسانتر حرکت کنند.

البته از این طرف نباید بی‌انصافی کرد، نباید ناسپاسی کرد؛ حقیقتاً کار شده، حقیقتاً خدمت شده؛ نیت خدمت‌بیش از این هم هست. فرمود: «نیّة المؤمن خیر من عمله»؛ (1) یعنی همیشه نیت مؤمن بیش از آن مقداری است که گنجایش عمل اوست. قصد و نیت، خیلی زیاد است؛ خوب، انسان در عمل نمیتواند همه‌ی آنها را انجام دهد. هرچه که شما از کار خوب انجام دادید، نیتتان باید چند برابر باشد. مؤمن اینجوری است که نیتش همیشه خیر است، از عمل او بهتر است. دستگاه‌های مسئول در این باب هم همین جورند؛ نیتشان واقعاً خیلی بیشتر است؛ منتها خوب، در عمل طبعاً مشکلاتی پیش می‌آورد.



يك چیز دیگر هم که فراموش نشود، این است که ما يك نظام رصد لازم داریم. باید دائماً رصد کنیم ببینیم خروجی این تلاشی که در زمینه‌ی نخبگان انجام میگیرد، چقدر است؛ چقدر متناسب است این خروجی با سرمایه‌گذاری‌ای که شده. اینجور نباشد که ما سرمایه‌گذاری را بکنیم، بعد خروجی نباشد. اگر خروجی کم بود یا متناسب نبود، کاشف از این است که در روشها اشکال وجود دارد، روشها غلط است. بنابراین، این کار رصد دائمی لازم دارد. در این بخش، فقط هم رصد کافی نیست؛ بایستی کشورهایی را هم که همت ما و نیت ما این است که از آنها جلو بیفتیم، رصد کنیم. نباید تصور کرد که کشورهای دیگر، کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی ایستاده‌اند و به ما میگویند بفرمائید جلو، تا ما از آنها جلو بزنییم؛ نه، آنها هم دارند تلاش میکنند. این رصد هم لازم است. اگر قرار است ما جلو بیفتیم، بایستی اطراف را هم بدانیم؛ بقیه‌ی بازیگران این صحنه باید زیر نظر باشند؛ بدانیم چه کار دارد انجام میگیرد؛ آن وقت بسنجیم که حرکت ما، همت ما متناسب هست یا نه. من چند نکته‌ی دیگر یادداشت کردم که از آنها میگذرم. ببینید، ما تأکید میکنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی يك احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از يك تشخیص عمیق و محاسبه‌شده برمیخیزد. زورگوئی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته‌ی از دانش آنهاست. بدون دانش نمیشود مقابله کرد، نمیشود مواجهه کرد. من يك وقتی این حدیث را خوانده‌ام: «العلم سلطان»؛ (2) علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش يك اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، میتواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند. بنابراین، این يك محاسبه‌ی دقیق است.

خوب، این علم دو جور میتواند هدف داشته باشد: يك جور هدفی که دارندگان کنونی علم در دنیا آن هدف را داشتند و دنبال کردند و آن هدف، هدفی است ناپاک و نامقدس. به ادعاها نگاه نکنید؛ واقعیت قضیه در پیشرفت علمی غرب، واقعیت بسیار تلخ و بسیار تأسف‌آوری است؛ واقعیتی است که انسان به هیچ قیمتی حاضر نیست به سمت آن حرکت کند. پیشرفت علم در دنیای غرب، چه از وقتی که اساساً تحرك علمی غرب شروع شد - باید گفت تحرك فکری، که مقدمه‌ی تحرك علمی بود - که از قرن شانزدهم میلادی در ایتالیا و در انگلیس و در جاهای دیگر شروع شد، چه آن وقتی که انقلاب صنعتی در قرن هجدهم ابتدا در انگلیس به وجود آمد؛ ایجاد کارخانجات بزرگ و ماشینهای عظیم که بتدریج در طول چند ده سال این اتفاق افتاد، بعد تولید ثروت از این راه - حالا آنچه که در خود آنجاها شد، چه حقوقی پایمال شد، چه فقرائی از بین رفتند، طبقه‌ای که بر اثر این ماشینهای بزرگ به وجود آمد، چه ظلمهائی به مردم کردند، آنها بماند - بعد بتدریج گسترش این علم و فناوری در دیگر کشورهای اروپائی، به قیمت نابودی آزادی بسیاری از ملتها، تهدید هویت بسیاری از ملتها و وارد آمدن يك ظلم عظیم، همراه با سبعت بر بسیاری از کشورها و ملتها تمام شد. آنها احساس کردند مواد اولیه لازم دارند، احساس کردند بازار فروش لازم دارند؛ این هم در کشورهای دیگر بود؛ لذا از این دانش استفاده کردند و در مقابل شمشیر و نیزه، توپخانه تولید کردند؛ بعد هم انگلیسی‌ها و هلندی‌ها و پرتغالی‌ها و فرانسوی‌ها و بعضی دیگر از کشورهای اروپائی راه افتادند رفتند به اطراف دنیا، آنقدر با ابزار علم و فناوری در دنیا فاجعه‌آفرینی کردند که اگر اینها را جمع کنند، يك دائرةالمعارف عظیم خواهد شد با ده‌ها مجلد و گریه‌آور... (3) فقط آمریکا هم نیست؛ آمریکا بعد ملحق شده.

شما ملاحظه کنید اینها در هند چه کردند، در چین چه کردند. در قرن نوزدهم، انگلیسی‌ها در هند فجایعی آفریدند که من یقین دارم - شما جوانها کمتر هم به تاریخ و به این چیزها اهمیت میدهید - يك هزارم آنچه را که اتفاق افتاده، شما در تبلیغات و در حرفها نشنیده‌اید. «نهر» در کتاب خودش مینویسد اینها آمدند هند. به گفته‌ی او، در دورانی که هنوز انقلاب صنعتی نشده بود و ماشینهای بزرگ به وجود نیامده بود، شبه قاره‌ی هند از لحاظ صنعت، یکی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا بوده. اینها برای اینکه کار خودشان را پیش ببرند، صنعت هند را نابود کردند؛



طبقه‌ی متوسط هند را نابود کردند؛ پیدایش حرکت به سمت دانش و صنعت را با انواع و اقسام تضییقها متوقف کردند؛ یک بیماری مزمن در کالبد یک ملت به وجود آوردند و تزریق کردند؛ که هنوز که هنوز است، بعد از گذشت تقریباً صد و پنجاه سال از شروع این کارها در هند، این بیماری در آنجا علاج نشده. شبیه این کار را در چین کردند؛ فجایی که در چین آفریدند، فشاری که به ملت چین وارد کردند. اینها مال قرن نوزدهم است. در آفریقا چه کردند. به کمک علم، در خود قاره‌ی آمریکا چه فجایی را آفریدند. در آفریقا و در آمریکای لاتین، چقدر انسانهای آزاد برده شدند؛ چقدر خانواده‌ها تارومار و نابود شدند. علم را اینجوری پیدا کردند.

بنابراین جهت علم عبارت بود از حرکت به سمت ثروت، بدون رعایت ذره‌ای اخلاق و ایمان و معنویت. اروپائی‌ها همان وقت هم ادعای تمدن میکردند، اما رفتارشان از وحشی‌ترین قبائل در حملات گوناگون قبیله‌ای وحشیانه‌تر بوده. اینهایی که عرض میکنم، شعار نیست؛ اینها هر کدامش سند، مدرک و تعبیرات دقیق دارد که چه کار میکردند؛ که الان مجال توضیح نیست. اگر من گوشه‌ای از آنها را میگفتم، میفهمیدید که در آسیای شرقی، در آفریقا و در نقاط دیگر، به وسیله‌ی همین اروپائی‌ها و غربی‌ها و با ابزار علم آنها چه اتفاقی افتاده است. چون هدف، ثروت بود، بنابراین اخلاقی وجود نداشت، مذهبی وجود نداشت، خدائی وجود نداشت.

ما این علم را نمیخواهیم. این علم، آن وقتی که رشد پیدا میکند و به انتها درجه میرسد، میشود مثل این چیزی که امروز کشورهای غربی دارند؛ میشود بمب اتم، میشود این همه ظلم و ستم، میشود نابودی دموکراسی در مدعی‌ترین کشور دنیا از لحاظ دموکراسی - یعنی آمریکا - میشود اختلاف طبقاتی روزافزون و شکاف طبقاتی؛ میلیونها کارتن‌خواب، میلیونها زیر خط فقر در یک کشور ثروتمند و پیشرفته. این علم فایده‌ای ندارد. ما دنبال این علم نیستیم. نه تعلیمات انبیاء، نه تعلیمات اسلام، نه وجدان انسانی، ما را به این طریق سوق نمیدهد؛ هیچ شوقی در انسان نمی‌آفریند.

آن علمی که ما میخواهیم، همراه با تزکیه است. همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند، به این نکته اشاره دارد: «هو الذی بعث فی الأمیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة». (4) اول، تزکیه است. تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است. چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف میشود. علم یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدمکش قرار بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی‌آفریند؛ اما همین سلاح میتواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسانها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد. این توصیه‌ی من به شماست.

شما بحمدالله جوانهائی هستید که خدای متعال به شماها توفیق داده در محیط دینی و اسلامی پرورش پیدا کنید؛ این فرصت خیلی خوبی است؛ این شبیه همان چیزی است که امام حسین (علیه‌السلام) در دعای عرفه به خدای متعال عرض میکند و میگوید: من تو را شکر میکنم که مرا در دولت اسلام - دولت پیغمبر - به وجود آوردی. البته فاصله‌ی ما با او خیلی زیاد است، فاصله‌ی زمین تا آسمان است؛ اما در آن جهتیم. این برای ما توفیقی است، برای شما جوانها توفیقی است.

علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضائل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرا بگیریم. ثروت ملی و اقتدار ملی باید برای این باشد که این ملت بتواند برخلاف سنت رائج جهان، پرچم عدالت را در دست بگیرد. به کسی زور نگوئیم؛ به مظلوم کمک کنیم؛ با ظالم مقابل و مواجه شویم؛ جلوی ظالم را بگیریم. شما فکرش را نکنید؛ اگر توی این دنیائی که سکه‌ی رائج عبارت است از ظلم و زورگوئی و استکبار و استعمار و استثمار ملتها، و هر کسی که قدم در جاده‌ی دانش و علم و پیشرفت میگذارد، همین راه را دنبال میکند - یک عده‌ای زور میگویند، یک عده هم زور را میپذیرند؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، که مجموعاً نظام سلطه را به وجود می‌آورند - یک



ملتی قد علم کند، عالم باشد، قدرت داشته باشد، حرف برای زدن داشته باشد و بتواند صدای خودش را به دنیا برساند، دارای فناوری پیشرفته و ابزارهای گوناگون ارتباطی باشد، دارای قدرت تبلیغات باشد، دارای انسانهای با اعتماد به نفس بالا باشد و با این نظام سلطه مواجهه و مقابله کند؛ آنجائی که همه دست به دست هم میدهند تا يك ملت را مظلوم کنند، زیر پا له کنند، او به دفاع از آن ملت سینه سپر کند، ببینید در دنیا چه اتفاق عجیبی رخ خواهد داد؛ وضع دنیا دگرگون خواهد شد.

برای این هدف کار کنید، علم را برای این فرا بگیرید، دنبال این باشید - این لازم است - والا اگر روشی که علم‌آموزان و صاحبان علم در دنیا در این دویست سال سیصد سال دنبال کردند، ما هم ته صف آنها بایستیم، راهی که آنها رفتند، ما هم همان راه را برویم، این که هنری نیست؛ این که هدفی نیست که انسان از جان خودش برای آن مایه بگذارد. ما بایستی راه جدیدی را باز کنیم. راه جدید این است که يك ملتی با دارا بودن ابزار علم و اقتدار علمی - که همه چیز دیگر را به دنبال خودش می‌آورد - انگیزه‌های الهی و ارزشهای الهی و اخلاق الهی را در دنیا علم کند و پرچمش را برافرازد. این، آن توقعی است که ما از شما داریم.

پروردگارا! جوانان عزیز ما را در این راه پرافتخار، روزبه‌روز و بیش از پیش هدایت و کمک بفرما.  
والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

- (1) کافی، ج 2، ص 84
- (2) شرح نهج‌البلاغه، ج 20، ص 319
- (3) یکی از حضار: «مرگ بر آمریکا»
- (4) جمعه: 2